



شاخصه‌های نص گرایي در عرصه فقه اجتماعي؛ خصوصيات مكتب «نص گرايي» در فقه اجتماعي

پديدآورنده (ها) : دري، حجت الاسلام والمسلمين مصطفي

علوم اجتماعي :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدا :: پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۲۳

صفحات : از ۲۷۰ تا ۲۷۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1745576>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تبیین کاربرد عقل در فهم نصوص دینی از دیدگاه ابو حامد غزالی
- عقل‌گرایی و نص‌گرایی در کلام اسلامی با بررسی دیدگاه شیخ طوسی و ابن‌ادریس
- عقل‌گرایی و نص‌گرایی در تشیع (با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های شیخ صدوق و شیخ مفید)
- واکاوی نص‌گرایی در اندیشه علامه محمد باقر مجلسی
- واکاوی تاریخی عنصر نص‌گرایی در روش‌های فقهی امامیه و نقش آن در پیشرفت فقه نظام اجتماعی
- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر افسردگی بررسی تطبیقی میزان افسردگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در استان گیلان و تهران
- حقوق حیوانات از منظر اسلام
- تبیین ریشه‌های افسردگی از منظر سوره‌ی مبارکه‌ی غاشیه؛ تمرکز بر نقش رفتارهای بی‌حاصل
- عناوین خاص موجب مسئولیت مدنی در قرآن
- پژوهشی در «سیره‌ی متشرعه» شرایط حجیت و شبکه‌ی روابط مفهومی آن
- نگاه مجاز و غیر مجاز از دیدگاه اسلام
- مفهوم شناسی و کارکردهای هنجار

عناوین مشابه

- واکاوی تاریخی عنصر نص‌گرایی در روش‌های فقهی امامیه و نقش آن در پیشرفت فقه نظام اجتماعی
- ظرفیت‌های مکتب فقهی امام خمینی در تولید فقه اجتماعی
- اهم قواعد فقه سیاسی در عرصه اجتماعی
- فقه شیعی؛ علمی فعال در عرصه حیات اجتماعی گزارشی از نشست علمی «جایگاه فقه در علم اجتماعی مسلمین»
- مکتب امام خمینی و بازتولید فقه اجتماعی شیعه در چله انقلاب اسلامی
- درآمدی بر فقه اجتماعی از دیدگاه مکتب اجتهادی شهید صدر
- واکاوی پیوند تفسیر و تحلیل‌های اجتماعی در مکتب ادبی معاصر
- تروریسم از منظر فقه شیعه و مصادیق حقوقی آن در عرصه حقوق بین‌الملل
- بررسی تاثیر شهروند‌گرایی شرکتی بر سرمایه اجتماعی در استان کردستان
- از فقه‌گرایی تا فقه‌زدایی در مدیریت اسلامی



شاخصه‌های نص‌گرایی در عرصه فقه اجتماعی

خصوصیات مکتب «نص‌گرایی» در فقه اجتماعی

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی درّی*

این شبّهات را نه روشن‌فکران بی‌اعتنا به نصوص، بلکه متدین‌های متعبد مطرح می‌کردند و این فتواها را «غیرعقلایی» یا «متناسب با شرایط زمان صدور» می‌دانستند؛ متدین‌هایی که بی‌آنکه سودای روشن‌فکری یا وابستگی مالی به کشوری استعمارگر داشته باشند، دلسوزانه مجموعه احکام عملی دینشان را برای اجرا در جامعه، ناکارآمد می‌دیدند.

برخلاف برخی از طرفداران رویکرد نص‌گرایانه که نصوص را به کلی کنار گذاشتند و به اعلامیه حقوق بشر و قوانین غربی حقوق زنان پناه بردند،^۶ بسیاری نیز رویکرد «فهم‌عقلایی نصوص» را در پیش گرفتند و با بزرگداشت نصوص، سعی کردند آنها را با شرایط زمانه تطبیق دهند تا مردم کارآمدی دین در مقام عمل را ببینند و خود نیز مصداق عالم به زمانشان قرار گیرند.^۷

اما طرفداران رویکرد نص‌گرایانه، در شرایط جدید، با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند که یا باید به‌نحوی از پس حل‌کردنشان برآیند یا اساساً قید کارآمدی دین در مقام عمل را بزنند و جلوه عملی دین را موقوف به ظهور حجت خدا کنند و یا از مبنای دیرپیشان دست بردارند، همچنان‌که بسیاری چنین کرده‌اند.

یکی از جلوه‌گاه‌های مشکلات پیش‌روی رویکرد

شاید اگر هزار سال پیش، یکی از معاصران شیخ طوسی، از برابری دیه کافر و مسلمان یا ارث زن از زمین سخن می‌گفت، نه‌تنها فقاہت و سوادش، بلکه دیانتش هم با شبهه جدی مواجه می‌شد؛ اما امروز شرایط زمان و مکان، فهم مجتهدان از همان نصوص را به‌نحوی تغییر داده که نه‌تنها به برابری دیه کافر و مسلمان فتوا می‌دهند،^۱ بلکه این امر به‌عنوان قانون رسمی حکومت اسلامی نیز تصویب می‌شود.^۲

فقهایایی که عمری را با افتخار تعبد به کلمات نصوص سپری کرده و مردم را به‌سمت روحیه متعبدانه سوق می‌دادند، امروز در مواجهه با شرایط زمانه و الزامات فقه حکومتی، خود فهمی دیگر از نصوص پیدا کرده‌اند و سیره عقلا را مفسر و بلکه گاه، مخصص نصوص می‌دانند.

با وقوع انقلاب اسلامی و حاکم شدن فقه شیعی، رویکرد نص‌گرایانه که کمترین دخالت را برای حجیت عقل و سیره عقلا و فهم عقلایی از نصوص قائل بود، با چالش‌های جدی مواجه گردید. دیگر نه‌تنها تفکیک متعبدانه بین کر بودن مقداری و عدم اتصاف به صفت کریت^۳ خریداری نداشت، بلکه فتوا به حرمت نقاشی^۴ و مجسمه‌سازی^۵ نیز دچار شبّهات جدی شده بود.

**طرفداران رویکرد نص گرایانه، در شرایط جدید، با مشکلات
عدیده‌ای مواجه‌اند که یا باید به‌نحوی از پس حل کردنشان
برآیند یا اساساً قید کارآمدی دین در مقام عمل را بزنند و
جلوه عملی دین را موقوف به ظهور حجت خدا کنند و یا از
مبنای دیرینشان دست بردارند، همچنان که بسیاری چنین
کرده‌اند. یکی از جلوه‌گاه‌های مشکلات پیش روی رویکرد
نص گرایانه به فقه، مباحث مرتبط با فقه اجتماعی است.**

تنها مشکلش این است که او راضی به خواندن صیغه و برگزاری رسوم اسلامی نیست. به او پیشنهاد کردم که بنابر فتوای فقها، می‌تواند آن دختر را بدون آنکه چیزی به وی بگوید، به کنیزی بگیرد و در این صورت هیچ نیازی به خواندن صیغه نیست. متعجب شد، ولی با مراجعه به دفتر یکی از مراجع، از شگفتی‌اش کاسته شد. حکم جواز سرقت اموال کفار نیز در فتوای فقهای سنتی به‌روشنی وجود دارد؛^{۱۱} البته برخی از آنها این حکم را مقید به این شرط دانسته‌اند که موجب هتک مسلمانان نگردد؛^{۱۲} یعنی جواز دزدی از کفار در صورتی است که مذهب دزد، شناسایی نشود!

برخی حتی جواز استمتاع مرد از همسر را، در وضعیتی که زن رضایت و تمایلی به هم‌بستری نداشته باشد، منافی با کرامت انسانی و از مصادیق «تجاوز به عنف» می‌دانند؛ درحالی‌که فتوای فقهای سنتی در این باره مطلق است و مقید به رضایت زن نگردیده است.

البته موارد یادشده مشکل فقه «شیعی» و حتی «اسلامی» نیست، بلکه صرفاً مشکل فقهای طرفدار رویکرد نص گرایانه در احکام دینی است؛ وگرنه بسیاری از فقهای نوگرا که برای حکم عقل و سیره عقلا به‌عنوان دلیلی مستقل یا مفسر نصوص، ارزش بیشتری قائل هستند، نه چنین احکامی را برای کفار غیرذمی قائل‌اند و نه استمتاع از زن را در هر شرایطی جایز می‌دانند. اینان، کفاری را که با مسلمانان در جنگ نیستند، داخل محدوده «دارالسلام» گنجانده، برای آنان تمام حقوق

نص گرایانه به فقه، مباحث مرتبط با فقه اجتماعی است. تغییر سطح دانش عموم جامعه به همراه پیشرفت‌های ارتباطات و فناوری، فتوای سنت‌گرایان دینی را با بحران مقبولیت اجتماعی و پذیرش از جانب قشر تحصیل کرده مواجه کرده است.

در ادامه، به برخی از خصوصیات این رویکرد در حل مسائل فقه اجتماعی اشاره می‌گردد:

۱. تعارض با کرامت انسانی

بسیاری از فتوای طرفداران نظریه نص‌گرایی، به باور عموم جامعه، در تعارض مستقیم و روشن با کرامت انسانی است. فتوا به جزیه دادن اهل ذمه، آن هم با توصیف «حتی يعطوا الجزية عن يد و هم صاغرون»، تساوی حقوق انسان‌ها و لزوم احترام به کرامت ذاتی آنها را زیر پا می‌گذارد؛ به‌ویژه درباره غیرمسلمانانی که هیچ انگیزه‌ای برای جنگ و دشمنی با مسلمانان نداشته و حتی برای پیشرفت کشورشان، از هیچ تلاشی نیز فروگذار نکرده‌اند. تصور کنید جزیه گرفتن از مادری ارمنی را که فرزندش در جنگ تحمیلی و در راه دفاع از کشور، جان خود را فدا کرده است؛ آن هم به همراه تحقیر وی تا «و هم صاغرون» قرآن بی‌مصدق نماند!

اما تعارض کرامت انسانی با احکام کفار حربی و محترم نبودن جان و مال و ناموس آنها روشن‌تر است. گمان عموم مردم درباره کافر حربی، کفاری است که در حال جنگ با مسلمانان است؛ اما در اصطلاح فقهی، کافر حربی، کفاری است که در ذمه مسلمانان نیست و جزیه نمی‌پردازد.^۹ با این وصف، تمام غیرمسلمانانی که ساکن ایران نیستند، مصداق کافر حربی‌اند و بنابر فتوای فقهای سنتی، نه مالشان احترامی دارد و نه ناموسشان. این امر تا آنجا در فقه سنتی شیعی ریشه دوانده است که در کتاب خمس و باب غنائم کتاب الجهاد، مسئله‌ای به نام «حکم السرقة من الکفار» مطرح شده و تقریباً تمام فقها حکم به جواز آن داده و نزاعشان تنها در شیوه اخراج خمس از مال به غنیمت گرفته شده است.^{۱۰}

به یاد می‌آورم چندی پیش، جوانی ایرانی که لیدر تورهای مسافرتی بود، از علاقه‌اش به ازدواج با دختری خارجی و غیراهل کتاب، با من سخن گفت و اینکه

محدودیت‌های فراوانی مواجه شده و دایره هنرهای اسلامی تنگ‌تر می‌گردد.

این رویکرد غیرناظر به مقام اجرا، مشکلات بسیار بزرگ‌تری را در فقه اجتماعی که مباحث آن کاملاً در هم تنیده با آحاد جامعه است، ایجاد می‌کند.

۳. توجه نداشتن به شرایط عصر صدور

غالب فقهای نص‌گرا، به شرایط زمانی و مکانی صدور یک نص توجه ندارند یا توجهشان کافی نیست. آنها دقت ندارند که حکم حرمت ساخت مجسمه، در زمان ترویج بت‌پرستی بوده یا حرمت آن در برخی روایات، با «تشبه به خلق خدا» تعلیل شده است؛^{۱۴} بلکه با چوب «مورد، مخصص نیست» و حکمت دانستن اکثر این تعلیل‌ها، در عمل، شرایط صدور یک نص را از قرینیت می‌اندازند. بنابراین به نظر ایشان، کمتر حکمی است که مختص به زمانی خاص باشد و خصوصیات مخاطبان در صدور آن دخالت داشته باشد.

بی‌توجهی به شرایط عصر صدور نص، فتوای طرفداران این نظریه را در حل مسائل فقه اجتماعی، ناکارآمد می‌سازد؛ درحالی‌که یکی از مهم‌ترین ارکان در حل مسائل فقه اجتماعی، درک شرایط زمان فعلی جامعه است.

۴. رویکرد تعبدی در غیرعبادات

وجود نصوصی در باب عبادات که به مقتضای اختراعی و مناسکی بودن ذات عبادات، به لحاظ عقلایی و مادی، تفسیرناپذیرند، این دسته از فقها را بر آن داشته است تا رویکرد متعبدانه را به تمام فقه تسری دهند و در تمام ابواب فقهی، حتی ابواب غیرعبادی، تمایلی به تفسیر عقلایی نصوص نداشته باشند و به ظاهر آنها تمسک کنند.

حکم به حرمت ربا در قرض به صورت مطلق (حتی به مقداری که تأمین مخارج بانک‌ها بر آن متوقف است)،^{۱۵} به رسمیت نشناختن شخصیت‌های حقوقی،^{۱۶} نپذیرفتن حق تألیف^{۱۷} و... نمونه‌هایی از این رویکرد در فقه غیرمناسکی است.

به گمان ایشان، خداوند متعال در صدور احکام خود، به همان میزان که به دنبال تعالی بشر و رشد و پیشرفت او در زندگی دنیوی است، با صدور احکامی که عقل،

کفار ذمی را قائل اند و جان و مال و ناموسشان را محترم می‌شمارند؛ یا اینکه با گسترش ذمه به قراردادهای بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل، تمام کشورهای غیرمتخاصم را در دایره ذمه داخل می‌کنند. در مورد زنان نیز حکم جواز استمتاع همسر را به صورت متعارف و مستلزم نبودن حرج برای زوجه مقید می‌سازند. با این وصف، فتوای ایشان هیچ منافاتی با کرامت انسانی ندارد و مورد اعتراض نهادهای حقوق بشری نیز قرار نمی‌گیرد؛ اما طرفداران رویکرد نص‌گرایانه در بسیاری موارد، با چالش تعارض فتوایشان با کرامت انسانی مواجه هستند.

۲. ناکارآمدی در عمل

از دیگر خصوصیات طرفداران رویکرد نص‌گرایانه به فقه، بی‌توجهی آنها به امکان‌پذیر بودن یا نبودن اجرای فتوایشان در جامعه است. به عنوان مثال، فتوای ایشان درباره احکام اختلاط، هجو، هزل و... در هنرهای نمایشی، در عمل، امکان بقای هنرهای نمایشی در کشور را به صفر می‌رساند. اجرای هنرهای نمایشی و درخشش فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های خارجی نیز مدیون سهل‌انگاری ناظران حاکمیتی در عمل به این فتوای شرعی و اعمال نکردن جزء به جزء این فتواها درباره این فیلم‌هاست؛ و گرنه بنابر فتوای ایشان، تصویرسازی زن و شوهر در هنرهای نمایشی یا شرایط پشت صحنه این فیلم‌ها که طبق فتوا، عوامل آن یا همگی باید زن باشند و یا همگی مرد، تقریباً به هیچ نحو امکان‌پذیر نیست.

البته این مطالب به معنای نادرستی این فتواها و لزوم عدول از آنها نیست؛ بلکه سخن در این است که این دسته از فقها، اساساً به امکان‌پذیر بودن یا نبودن اجرایی شدن فتوایشان در جامعه عنایتی ندارند و به فکر چاره برای اجرایی‌سازی آن نیز نیستند؛ برخلاف فقهای نوگرا که با فتوای خود را - فارغ از درستی یا نادرستی آنها - تعدیل کردند و با لزوم سرمایه‌گذاری مسلمانان در انیمیشن را پیشنهاد داده‌اند که محدودی در اختلاط زن و مرد در آن وجود ندارد.

باری، با فتوای غالب فقها به حرمت مجسمه‌سازی تمام بدن جانداران و فتوای برخی از ایشان به حرمت نقاشی جانداران،^{۱۳} هنرهای تجسمی و نقاشی نیز با

تعارض با کرامت انسانی، ناکارآمدی در عمل، رویکرد تبعیدی در غیر عبادات، استفاده حداقلی از قرآن، استفاده حداقلی از حکم عقل و سیره عقلا، و توجه نداشتن به شرایط عصر صدور؛ از خصوصیات مکتب نص‌گرایی است که در این یادداشت بدان‌ها اشاره شده است.

آنها را سریع نمی‌پذیرد، درصدد امتحان بندگی اوست. التزام به این گزاره، موجب بی‌اعتنایی ایشان در هنگام معارضه فتوهایشان با اموری عقلایی همچون کرامت انسانی یا ناکارآمدی این فتواها در مقام اجراست. ایشان با یادآوری مداوم عملکرد متعبدانه صاحبی چون ابان بن تغلب، سعی می‌کنند رویکرد متعبدانه و غیرعقلایی خود در مناسک غیرعبادی را توجیه کنند. باری، رویکرد تبعیدی به مسائل فقه اجتماعی که بنای آن بر «حل» مسائل جامعه است، مقبولیت فتوهای فقهی تولیدشده با این رویکرد را در میان مردم، دشوار می‌سازد.

۵. استفاده حداقلی از قرآن

است این دو منبع نیز به‌مانند قرآن، در زمره کم‌اثرترین منابع استنباط احکام شرعی قرار گیرند.

رویکرد نص‌گرایانه این دسته از فقها، به روایات معصومین (ع) محدود شده و به آیات قرآنی تعمیم نمی‌یابد. مراجعه به کتب استدلالی این فقها، استفاده حداقلی ایشان از آیات قرآن و ذکر آنها تنها به‌عنوان تیمن و تبرک و مؤید را روشن می‌سازد. ایشان با ارتکاز فقدان عمومات و مطلقات فراوان قرآنی در احکام، و از آن مهم‌تر، حکم به جواز تخصیص کتاب به خبر واحد، حکم معصومین به لزوم عرضه اخبار به کتاب را بی‌اثر کرده و درحقیقت، کتاب را محکوم روایات قرار می‌دهند. ایشان همچنین مفهومی به نام «روح قرآن» را نپذیرفته، به لزوم رد اخبار منافی با روح قرآن، همانند حدیث «باهتوم»^{۱۸} و «رفع القلم فی ثلاثة ایام»^{۱۹} و قعی نمی‌نهند.

کلام آخر
خصوصیات مکتب نص‌گرایی بسیار بیش از آن چیزی است که در این مختصر نگاشته شد. بررسی لوازم و استلزامات فتوهای طرفداران این رویکرد در عرصه اجتماع نیز محتاج مجالی وسیع‌تر است؛ علاوه بر آن، اینکه رویکرد عقلایی که در مقابل رویکرد نص‌گرایانه قرار دارد، با چه مخاطرات، چالش‌ها و آسیب‌هایی در عرصه فقه اجتماع مواجه است نیز خود عرصه دیگری را برای سخن می‌طلبد. این مختصر، تنها نگاهی گذرا به خصوصیات رویکرد نص‌گرایی در حل مسائل فقه اجتماعی داشت، بی‌آنکه قضاوتی درباره درستی یا نادرستی آن داشته باشد و بالاتر از آن، بی‌آنکه در پی تطهیر رویکرد مقابل آن از ایراد و ناکارآمدی باشد. ■

رویکرد این دسته از فقها، موجب شده قرآن از جایگاه محکم‌ترین نص اسلامی، به کم‌اثرترین منبع فقهی تنزل یابد و در عمل، دخالت زیادی در استنباط احکام فقهی نداشته باشد.

۶. استفاده حداقلی از حکم عقل و سیره عقلا

نص‌گرایان اگرچه در مقام بحث استدلالی، حجیت حکم و سیره مضرا را می‌پذیرند، در مقام تفقه، از این دو منبع استفاده چندانی نمی‌کنند. اعتقاد ایشان به احاطه نداشتن عقل به تمام وجوه محسنه و مقبحه و تبعیدی دانستن بسیاری از احکام، و حجیت قائل نشدن برای سیره‌های مستحدث و ارتکازات عقلا، موجب شده

پی‌نوشت

- * پژوهشگر و مدرس عالی حوزه علمیه قم
۱. فقه و زندگی، ج ۲، ص ۹۲.
۲. قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۱۰، مصوب ۱۳۹۲.
۳. فرآیند الاصول (کنگره شیخ اعظم)، ج ۲۶، ص ۲۹۳.
۴. مشهور فقهاء قائل به حرمت نقاشی جاندار بوده‌اند (السانر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۲۱۵؛ الروضه البهیة (کلاتر)، ج ۳، ص ۲۱۲ و نیز: مسالک الافهام، ۳: ۱۲۶؛ نیز حاشیه‌های شرعی اسلام، ص ۳۲۶؛ الحدائق الناظرة، ج ۱۸، ص ۱۰۰؛ مستند الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۱۸۳؛ جامع المدارک، ج ۳، ص ۱۴؛

و نحوها فالأحوط إخراج الخمس منها من حيث كونه غنیمة لا فائدة فلا يحتاج إلى مراعاة مؤونة السنة، ولكن الأقوی خلافه» (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۲)

۱۱. به عنوان نمونه: «پرسش: آیا می شود مال هندو یا بت پرست یا کافر را غضب نمود؟ پاسخ: در صورتیکه کافر حربی نباشد جایز نیست.» «آیت الله مکارم شیرازی، به نقل از سایت هدانا: <http://hadana.ir>» روشن است که این پاسخ بدین معنا است که اگر کافر حربی باشد، جایز است.

۱۲. «پرسش: آیا می شود از ممالک حربی بدون اجازه آنان دارایی آنان را تملک نمود؟ اگر فردی غیر مسلمان و غیر حربی باشد لکن تابعیت دول حربی را داشته باشد اموالش محترم است؟ آیا این محاربه باید فعلیت داشته باشد؟ (مثلاً بنا بر شرایطی نمی توانند محاربه کنند لکن نیت آن را دارند). آیا مال و جان افراد حربی مباح است؟ پاسخ: اولاً: محاربه باید فعلیت داشته باشد هر چند آتش جنگی در هر روز روشن نباشد و ثانیاً: افرادی که به حکومت محاربه کمک نمی کنند جزو محاربه محسوب نمی شوند. اموال محاربین را می توان تملیک کرد مشروط بر اینکه مشکل خاصی از قبیل بدنامی مسلمین ایجاد نشود.» (آیت الله مکارم شیرازی، به نقل از سایت هدانا: <http://hadana.ir>)

۱۳. در پاورقی های پیشین، به فتاوی فقهای متقدم و متأخر در این رابطه اشاره گردید.

۱۴. ر.ک: المکاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص: ۲۵۸.

۱۵. به عنوان نمونه، ر.ک: جامع الأحكام، ج ۲، ص ۳۰۳، ۱۹۸۸م.

۱۶. سید علی سیستانی، المسائل المنتخبة، ص ۵۴۵، م ۲.

۱۷. به عنوان نمونه، ر.ک: آیت الله خویی در صراط النجاة (المحشی للخنونی)؛ ج ۱، ص: ۲۵۲؛ سؤال ۶۸۶: هل يجوز طبع أي كتاب بكميات تجارية في بيروت مثلا بدون إذن مؤلف الكتاب أو ناشره في صورة وجود عبارة «حقوق الطبع محفوظة للمؤلف أو الناشر» أو عدم وجودها؟. الخنونی: نعم يجوز ذلك، واللّه العالم. وآیت الله صافی گلپایگانی (به نقل از: حقوق آفرینشهای فکری، ص: ۷۲)

۱۸. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَالْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي، فَأَطْفِرُوا التَّوْبَةَ مِنْهُمْ، وَ أَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ، وَالْوَقِيعَةَ، وَ بَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ، وَ يَحْدَرُهُمُ النَّاسُ، وَ لَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ؛ يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْخَسَنَاتِ، وَ يَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ.» (محمد بن يعقوب كليني، کافی (دارالحدیث)، ج ۴، ص ۱۲۳، ح ۷۸۲۸)

۱۹. رفع القلم عن الخلق ثلاثة أيام من يوم تاسع ربيع الأول. (عباس قمی، سفینه البحار، ج ۷، ص ۳۴۹)

مختلف الشیعه، ج ۵، ص ۱۳؛ حلبی، کافی فی الفقه، ص ۲۸۱؛ النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۳۶۴؛ المذهب لابن براج، ج ۱، ص ۳۴۴؛ محمدعلی اراکی، المسائل الواضحه، ص ۱۹۰، ۲۸۴۴م؛ سید ابوالقاسم خویی، توضیح المسائل، ص ۵۲۲، ۲۸۳۸م؛ منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۸، ۱۱۶؛ حسین نوری همدانی، منتخب المسائل، ص ۲۳۴، ۶۳۴م؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۱، ۱۱۶؛ سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ج ۲، ص ۸۵، ۲۰۷۷م؛ لکن برخی از معاصرین از این فتوا عدول کرده و قائل به جواز شده اند. (ر.ک: امام خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۸، ۴۶؛ محمدتقی بهجت، سیدعلی خامنه ای، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و میرزا جواد تبریزی، استفتانات موجود در واحد پاسخ به سوالات جامعه الزهراء قم؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۲، صافی گلپایگانی، جامع الأحكام، ج ۱، ص ۳۰۷، ۱۰۶۰)

۵. مشهور فقهاء، قائل به حرمت ساخت مجسمه جاندار هستند. (ر.ک: مقنعه، ص ۵۸۷؛ المراسم العلویه، ص ۱۷۰؛ شرایع الاسلام، ج ۴، ۴؛ و نیز مختصر الشرایع، ۱: ۱۱۶؛ ارشاد الأذهان، ج ۱، ص ۳۵۷ و نیز: قواعد الأحكام، ج ۲، ۲۶۰ و نیز: منتهی المطلب، ج ۵، ص ۳۷۹؛ الدروس الشرعیه، ج ۳، ۱۶۳ و نیز اللعه الدمشقیه، ص ۱۰۳؛ التنقیح الرابع، ج ۲، ص ۱۱؛ جامع المقاصد، ۴: ۲۳؛ مجمع الفائدة والبرهان، ج ۸، ص ۵۵؛ کفایة الأحكام، ج ۱، ص ۴۲۷؛ جواهر الكلام، ج ۲۲، ص ۴۱ و ۴۲؛ ریاض المسائل، ج ۸، ص ۱۵۳ الی ۱۵۵؛ امام خمینی، المکاسب المحرمة، ج ۱، ص ۲۵۵؛ مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۲۲۲ الی ۲۲۵). در این میان، برخی همچون آیت الله سیستانی، ساخت آن را در صورتی که به عنوان پرستش و تقدیس مورد استفاده قرار نگیرد بلا اشکال دانسته اند. (ر.ک: منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۲)

۶. رویکرد روشنفکرانی نظیر مجتهد شبستری را می توان این گونه تحلیل کرد.

۷. نواندیشانی همچون آیت الله صاعی، مهدی مهریزی و محسن کدیور، در این زمره اند.

۸. توبه: ۲۹.

۹. مجله فقه اهل بیت، ج ۵، ص ۴۵، ص ۲۰۹.

۱۰. به عنوان نمونه:

«إذا غار المسلمون على الكفار فأخذوا أموالهم فالأحوط بل الأقوى إخراج خمسها من حيث كونها غنیمة ولو في زمن الغيبة، فلا يلاحظ فيها مؤونة السنة، وكذا إذا أخذوا بالسرقة والغيلة نعم لو أخذوا منهم بالربا أو بالدعوى الباطلة فالأقوى إلحاقه بالفوائد المكتسبة فيعتبر فيه الزيادة عن مؤونة السنة، وإن كان الأحوط إخراج خمسها مطلقاً» (العروة الوثقى ج ۴ ص ۲۳۳ - ۲۳۴)

«ما يؤخذ منهم بغیر القتال من غیلة أو سرقة أو ربا أو دعوی باطلة فلیس فيه خمس الغنیمة بل خمس الفائدة كما سیأتی، إن شاء الله تعالی» (منهاج الصالحین السید الخنونی، ج ۱، ص ۳۲۵)

«وما اغتنم منهم بالسرقة والغیلة غیر ما مر وكذا بالربا والدعوی الباطلة